

دانش جامع‌نگر قرآنی (حکمت فراگیر) محمدعلی رضایی اصفهانی^۱

چکیده

هر فرهنگ و تمدن بشری نیازمند «علم» است ولی رویکردهای آنها به علم متفاوت است. در این نوشتار نخست معانی علم در لغت، اصطلاح، قرآن و حدیث مورد بررسی قرار می‌گیرد و اقسام آن بیان می‌شود، سپس رویکردهای قرآن نسبت به علم و کارکردهای علم در قرآن روشن می‌شود، آنگاه توجه قرآن به علوم تجربی، عقلی، نقلی، شهودی بیان می‌گردد. سپس احکام علوم واجب، حرام، مستحب تبیین می‌شود و در ادامه اقسام فعالیت‌های میان‌رشته‌ای (موضوع میان‌رشته‌ای، روش میان‌رشته‌ای، همکاری میان‌رشته‌ای، دانش میان‌رشته‌ای) توضیح داده شده و نمونه‌های قرآنی بیان می‌شود و در پایان مؤلفه‌ها و دلایل دانش جامع‌نگر قرآنی تبیین می‌گردد و روشن می‌شود که قرآن کریم نگاهی جامع به «علم» دارد که شامل نگاه تجربی، عقلی و وحیانی می‌شود؛ که می‌توان از آن به عنوان دانش جامع‌نگر یا حکمت فراگیر یاد کرد. این نگاه قرآنی به علم پیامدهای خاص خود را دارد که در این نوشتار بیان شده است. این نگاه قرآنی به علم بنیان اساسی تمدن اسلامی آینده است که دانش خاصی را بر اساس مبانی و اهداف قرآنی پایه‌ریزی و تحول اساسی در علوم به ویژه علوم انسانی فراهم می‌سازد که با رویکرد فعلی رایج در غرب نسبت به دانش متفاوت است. چرا که در تمدن جدید غرب به صورت تک بعدی به علم نگاه می‌شود. یعنی پدیده‌های طبیعی و رفتارهای انسانی فقط از زاویه تجربه مورد توجه قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: قرآن، علم، دانش جامع‌نگر، حکمت، تمدن، غرب

مقدمه

هر فرهنگ و تمدن بشری نیازمند «علم» است ولی رویکردهای آنها به علم متفاوت است. در تمدن جدید غرب به صورت تک بعدی به علم نگاه می‌شود. یعنی پدیده‌های طبیعی و رفتارهای انسانی از زاویه تجربه مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد که قرآن کریم نگاهی جامع به «علم» دارد که شامل نگاه تجربی، عقلی و وحیانی می‌شود؛ که می‌توان از آن به عنوان حکمت فراگیر یاد کرد. برای ارائه نظریه دانش جامع‌نگر قرآنی نیازمند بیان چند مقدمه اساسی هستیم که به صورت اجمالی و اشاره‌ای بیان می‌شود.

(۱) مفهوم‌شناسی علم

مفهوم لغوی کلمه «علم» و معادل‌های آن، مثل دانش و دانستن، روشن است^۲ ولی «علم» معانی اصطلاحی مختلفی دارد که ما برای روشن کردن مقصود خود، از این کلمه، ناچاریم اشارات مختصری به آنها بکنیم؛ واژه علم در این موارد و معانی به کار می‌رود:

- ۱-۱. اعتقاد یقینی مطابق با واقع، در برابر جهل بسیط و مرکب.
 - ۱-۲. مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته شود، هر چند قضایای شخصی و خاص باشد مانند علم تاریخ (دانستن حوادث خاص تاریخی)، علم رجال و ...
 - ۱-۳. مجموعه قضایای کلی که محور خاصی برای آنها، لحاظ شده و هر کدام از آنها قابل صدق و انطباق بر موارد و مصادیق متعدد می‌باشد، هر چند قضایای اعتباری و قرار دادی باشد، به این معنا علوم غیر حقیقی و قرار دادی مانند لغت دستور زبان هم، علم خوانده می‌شود.
 - ۱-۴. مجموعه قضایای کلی حقیقی (غیر قرار دادی) که دارای محور خاصی باشد و این اصطلاح علوم نظری و عملی، از جمله الهیات و ما بعد الطبیعه را در برگیرد.
 - ۱-۵. مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست‌ها، به کار می‌برند و بر اساس آن، علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی‌شمارد: این اصطلاح امروزه در سطح جهان رواج یافته و طبق آن، علم را در مقابل فلسفه قرار می‌دهند.^۳
 - هر چند جعل اصطلاح اشکال ندارد اما اصطلاح اخیر، به خاطر دیدگاه خاص پوزیتیویست‌ها^۴ در دایره معرفت یقینی و شناخت واقعی انسان است که آن را محدود به امور حسی و تجربی می‌پندارند و لذا اندیشیدن، در ماورای طبیعت را لغو و بی حاصل می‌دانند.^۵
 - ۱-۶. در روایات اسلامی علم در معانی دیگری از جمله معنای «نور» نیز به کار رفته است.^۶
- البته در این نوشتار مقصود از علوم تجربی «مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات است می‌باشد که تقسیم‌بندی‌های مختلفی دارد^۷، و ما به تقسیم‌بندی علوم براساس روش، بسنده می‌کنیم:

۲) تقسیم‌بندی علوم براساس روش:

تقسیم‌بندی علوم براساس روش:

در این تقسیم، علوم، به چهار گروه تقسیم می‌شود که به این شرح است:

الف: علوم تجربی^۸: که شامل دو قسم می‌شود:

-
۲. منطقیین علم را: حصول صورة الشيء عند العقل (حاصل شدن صورت چیزی در ذهن انسان) می‌دانند چنانچه مرحوم مظفر در مقدمه کتاب المنطق می‌گوید. ولی فلاسفه آن را به علم حصولی و حضوری تقسیم می‌کنند و بحث ما در علم حصولی است که همان معنای منطقی علم است، هر چند در این زمینه فلاسفه غرب سخنان دیگری دارند که در خلال بحث به آنها اشاره خواهد شد.
 ۳. علم در نظر آنان مطابق با کلمه Science است.
 ۴. Positivisme مکتبی که توسط آگوست کنت (Auguste Conte ۱۷۹۸ - ۱۸۵۷ م) بنیاد نهاده شد و ریشه او در اصالت حس هیوم بود که معرفت بشر را، محدود به تجربه حسی می‌داند.
 ۵. استاد مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱، با تلخیص.
 ۶. عن الصادق: «ليس العلم بالتعلم إنما هو نور يقع في قلب من يريد الله تبارك و تعالی أن يهديه...» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۵)
 ۷. نک: فارابی، احصاء العلوم، ص ۱۱۱ - ۱۲۰، مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱، سیاسی، علی‌اکبر، مبانی فلسفه، ص ۲۱۲ و ۲۵۳ و مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۹، رضایی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۱۵۱.
 ۸. همان‌ها.

اول: علوم طبیعی^۹ مانند: فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و...
دوم: علوم انسانی^{۱۰} مانند: جامعه‌شناسی، اقتصاد و...
روش این علوم، براساس مشاهده و تجربه حسی است.
ب: علوم عقلی: که آن نیز شامل دو قسم می‌شود:
اول: علوم منطق و ریاضیات که تا قبل از برتراند راسل، گمان می‌شد ریاضیات اصل منطق است ولی او اثبات کرد که منطق، اصل ریاضیات است.
دوم: علم راجع به واقع، یعنی فلسفه که شامل فلسفه‌های مضاف (مانند فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ و...) و فلسفه‌های غیرمضاف (مانند متافیزیک یا امور عامه) می‌شود.
ج: علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و... که در آنها از نقل استفاده می‌گردد (البته منظور در اینجا علوم تعبدی شرعی نیست).
د: علوم شهودی: که با علم حضوری، به دست می‌آید مانند: علوم پیامبران و عرفا. شاید این طبقه‌بندی، کاملترین تقسیم علوم باشد، که تاکنون ارائه شده است.

۳) کاربردهای علم در قرآن:

واژه «علم» در قرآن کریم به چند معنا به کار رفته است:

یک) علم به معنای خاص یعنی «الهیات»:
قرآن کریم هدف آفرینش جهان را آگاهی انسان از «علم و قدرت الهی» معرفی می‌کند^{۱۱}؛ یعنی آگاهی از صفات خدا را به عنوان علم اعلی و هدف خلقت برشمرده است و نیز در برخی آیات قرآن از علم «لدنی» یعنی دانشی که خدا به انسان آموزش می‌دهد سخن گفته شده است^{۱۲}.
البته این معنای از علم، از مصادیق مهم دانش، بلکه با فضیلت‌ترین علم است، چراکه ارزش هر علم به معلوماتی است که انسان می‌آموزد^{۱۳}، و هنگامی که معلومات یک علم، آگاهی از صفات خدای متعال باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد، چرا که بهترین و با ارزش‌ترین معلومات جهان را می‌آموزد.

دو) علم به معنای عام:

قرآن کریم می‌فرماید: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)^{۱۴}؛ «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند.»

۹. همان‌ها.

۱۰. همان‌ها.

۱۱. طلاق / ۱۲.

۱۲. «وَعَلَّمَآءُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف / ۶۵)

۱۳. همانطور که از امام علی (ع) حکایت شده: «قیمه کل امرء ما یعلمه» ارزش هر کس به چیزی است که می‌داند، (محجة البیضاء، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۶).

۱۴. زمر / ۹.

به نظر می‌رسد مقصود از «علم» در این آیه مطلق علم و دانش است که شامل همه اقسام علم مفید می‌شود.^{۱۵}

و در آیه دیگر می‌فرماید: (يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ)^{۱۶}؛ «خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه‌هایی بالا می‌برد.»

در این آیه نیز «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جداگانه برای برتری افراد شمرده شده است. از این جداسازی روشن می‌شود که خود «علم» موجب فضیلت افراد است، و این علم مقید به الهیات نشده است پس مطلق است و شامل همه دانشمندان می‌شود.^{۱۷}

و در آیه دیگر می‌فرماید: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)^{۱۸}؛ «از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند.»

در این آیه نیز از دانشورانی یاد شده که نشانه‌های خدا را می‌شناسند و عظمت و مقام او را در می‌یابند از این رو از نافرمانی او هراسناکند^{۱۹}، اما جالب این است که بخش قبلی آیه فوق و آیه قبل از آن سخن از نشانه‌های خدا در صحنه طبیعت همچون نزول باران، رویش میوه‌های رنگارنگ، جاده‌های کوهستانی رنگارنگ و انسان‌ها و جنبندگان و دام‌ها با رنگ‌های مختلف است، سپس از دانشمندان فوق‌الذکر یاد می‌شود. این مطلب نشان می‌دهد که مقصود از علم، دانشوران در این آیه، علوم طبیعی نیز هست، یعنی دانشمندانی که از طبیعت‌شناسی به خداشناسی می‌رسند.^{۲۰}

۴) توجه جامع به علوم:

در آیات قرآن به چهار دسته ذیل اشاره شده است:

۱۵. صاحب تفسیر نمونه آیه را از جهت نابرابری مطلق می‌داند. (ج ۱۹، ص ۳۹۳) و علامه طباطبائی نیز علم در آیه را مطلق می‌داند لیکن با توجه به مورد آیه آن را منطبق بر علم به خدا می‌کند (ج ۱۷، ص ۲۵۷) و ذیل آیه نیز احادیثی از امام باقر^۷ حکایت شده که مقصود از دانایان در این آیه اهل بیت هستند (صافی، ج ۴، ص ۳۱۶) ولی مفسران اینگونه احادیث را حمل بر بیان مصداق کامل کرده‌اند و گرنه آیه شامل همه دانایان می‌شود. (نک: المیزان و اطیب البیان ذیل آیه) ۱۶. مجادله / ۱۱.

۱۷. علامه طباطبائی؛ بر آن است که آیه مومنان را به دو قسم عالم و غیرعالم تقسیم می‌کند پس آیه می‌فرماید علمای با ایمان دو درجه برتری دارند و مومنان یک درجه (المیزان، ج ۱۱، ص ۲۱۶) ولی آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسند: گرچه آیه در مورد خاصی نازل شده ولی با این حال مفهوم عامی دارد و نشان می‌دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می‌برد، دو چیز است: ۱. ایمان؛ ۲. علم. (نمونه، ج ۲۳، ص ۴۳۸) ۱۸. فاطر / ۲۸.

۱۹. مقصود از خشیت «ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار است». (نمونه، ج ۱۸، ص ۲۴۵)

۲۰. آیت‌الله مکارم شیرازی پس از بیان ارتباط این بخش آیه ۲۸ / فاطر با بخش‌های قبلی و آیات قبل، و لزوم مسئولیت‌پذیری دانشمندان می‌نویسند: «عالمان در منطق قرآن کسانی نیستند که مغزشان صندوقچه آراء و افکار این و آن، و انباشته از قوانین و فرمول‌های علما جهان و زبان‌شان گویای این مسائل و محل زندگی‌شان مدارس و دانشگاه‌ها و کتابخانه‌هاست. بلکه علما آن گروه از صاحب‌نظران و دانشمندانند که نور علم و دانش تمام وجودشان را به نور خدا و ایمان و تقوا روشن ساخته، و نسبت به وظائفشان سخت احساس مسئولیت می‌کنند و از همه پای‌بندترند. (نمونه، ج ۱۸، ص ۲۴۵)، البته علامه طباطبائی؛ بر آن است که مقصود از علما در اینجا عالمان بالله هستند. (المیزان، ج ۱۷، ص ۴۳)

۱-۴. علوم تجربی: قرآن گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب می‌کند و او را به کیهان‌شناسی و طبیعت‌شناسی و انسان‌شناسی و... تشویق می‌کند.

برای مثال:

(فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ) (طارق / ۵)؛ «پس انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است!».

(فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ) (عبس / ۲۴)؛ «و انسان باید به غذایش نظر کند».

(سَيُرَوُّوا فِي الْأَرْضِ فَاَنْظُرُوا) (نمل / ۶۹)؛ «در زمین گردش کنید و بنگرید».

۲-۴. علوم عقلی:

قرآن توجه انسان را به عمق تاریخ جلب می‌کند و داستان‌های عبرت‌آموز پیامبران و ملت‌های پیشین را بیان می‌کند، و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ‌ها و...) را گزارش و ثبت می‌کند.

برای مثال دعوت به برهان (هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ) (بقره / ۱۱۱)؛ «دلیل روشن‌تان را بیاورید».

دعوت به تعقل و تفکر و تدبیر (در آیات متعدد)

هدف قرآن خردورزی (یوسف / ۲)

۳-۴. علوم نقلی:

قرآن به علوم نقلی نیز توجه کرده است، از جمله تاریخ پیامبران و اقوام و شخصیت‌های تاریخی، همچون:

داستان یوسف ۷، داستان موسی ۷ و آیات مربوط به ذوالقرنین و...

۴-۴. علوم شهودی:

قرآن از وحی و الهامات الهی به انسان‌ها سخن می‌گوید ۲۱ و علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان‌ها

می‌رسد (= علم لدنی) گوشزد می‌کند.

(وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا) (کهف / ۶۵)؛ «و دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم».

نتیجه: راه‌های کسب معرفت بشری چهار مورد است که قرآن به همه موارد توجه کرده است ۲۲.

آری، هر چند هدف قرآن بیان جزئیات تمام علوم بشری نیست ۲۳ اما می‌توان در قرآن اشاراتی به علوم

مختلف یافت. به عبارت دیگر قرآن به روش تعقلی، تجربی، نقلی و شهودی توجه کرده است و نمونه‌هایی از

آنها را در قرآن یادآوری نموده است و همین توجه قرآن به روش‌ها و منابع علوم، به معنای لزوم به کارگیری

این منابع است.

۵) رویکرد قرآن به علوم تجربی:

برای روشن شدن این مطلب لازم است به چند اصل قرآنی در مورد دانش دانشمندان و طبیعت توجه

کنیم:

۱- ۵. نگاه مثبت به علوم طبیعی (کیهان‌شناسی، پزشکی و...) و علوم انسانی (تربیت، اقتصاد، سیاست

و...) (بیش از ۲۰۰۰ آیه علمی در قرآن)

۲- ۵. نگاه مثبت به طبیعت و تسخیرپذیر بودن آن

۲۱. شوری / ۵۱، مومنون / ۲۷، طه / ۳۸.

۲۲. ر.ک: تعامل قرآن و علوم، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۰ ش.

۲۳. ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۳۵، محمد علی رضایی اصفهانی.

- (سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ) (لقمان/ ۲۰)؛ «خدا (منافع) آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمين است براى شما مسخّر ساخت.»
- ۳- ۵ - تجليل از دانش و دانشمندان
- (هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) (زمر/ ۹)؛ «آيا كسانى كه مى دانند با كسانى كه نمى دانند يكسان اند؟!».
- (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) (مجادله/ ۱۱)؛ «خدا كسانى از شما را كه ايمان آورده اند و كسانى را كه به آنان دانش داده شده، به رتبه هاىى بالا مى برد.»
- ۴- ۵ - نشانه بودن طبيعت و آيه خدا بودن (طرح علم جهت دار)
- (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (روم/ ۲۲)؛ «و از نشانه هاى او آفرينش آسمان ها و زمين است.»
- تذکر: نگاه عرفانى به طبيعت در اينجا معنا پيدا مى کند.
- ۵ - ۵ - نگاه قدسى به علم (عبادت بودن علم - به ويژه در احاديث (نور بودن علم))
- ۶- ۵ - بيان اخبار غيبى علمى^{۲۴} (اعجازهاى علمى - نظريه پردازى هاى علمى)
- ۷- ۵ - نگاه منفى به علوم غريبه (فراروانشناسى) مثل سحر، كهانت و ...
- تذکر: در ادامه مطالبى در اين مورد بيان خواهيم كرد.

۶) احكام علوم بر اساس آيات و روايات

۱- ۶- علوم واجب:

- در اسلام، چند نوع وجوب داريم كه ما در اينجا، دو قسم آن را كه مربوط به بحث ماست ذكر مى كنيم:
- الف. وجوب عينى: چيزهاىى كه بر هر مسلمان مكلف، لازم است انجام دهند مانند نماز و ...
- ب. وجوب كفايى: چيزهاىى است كه بر همه مسلمانان واجب است، اما اگر يك يا چند نفر، آن را انجام دادند، بقيه وظيفه اى ندارند و تكليف وجوب از عهده آنها برداشته مى شود مانند: دفاع از سرزمين يادفن كردن مرده يك مسلمان كه بر همه واجب است انجام دهند كه اگر عده اى انجام دادند، از عهده بقيه ساقط است.
- وجوب علوم و احتياجات علمى و فنى جامعه اسلامى، نيز از نوع وجوب كفايى است.
- براى مثال اگر جامعه اسلامى، به فيزيك دان هسته اى و پزشك احتياج داشته باشد، بر همه لازم و واجب است، آن علم يا فن را، بيايوزند و اگر همه افراد جامعه نرفتند و ترك كردند همه گناه كارند، ولى اگر عده اى كه تعداد آنها كافي باشد، براى آموختن پزشكى و ... رفتند و نياز جامعه تأمين شد، اين تكليف از عهده ديگران ساقط مى شود.
- از اين قبيل است علومى مانند: فقه، پزشكى و تخصص هاى گوناگون صنعتى كه براى جامعه اسلامى ضرورى باشد. روش امام صادق ۷ الكوى ماست كه شاگردان خود را، در رشته هاى مختلف پرورش و تخصص مى داد، براى مثال مؤمن طاق و هشام بن حكيم را در علم كلام و جابر بن حيان را در علوم طبيعى (مثل شيمى) تشويق و تربيت كرد^{۲۵}.
- ۲- ۶- علوم حرام:

۲۴. ر.ك: همان.

۲۵. رابطه علم و دين، نوشته عباسعلى سرفرازى، ص ۶۹، به نقل از كتاب الامام الصادق ملهم الكيمياء.

همان طور که اسلام به علم توجه زیادی نموده و آموختن بعضی علوم را واجب دانسته است و به این مطلب هم توجه کرده که ممکن است از علم، سوء استفاده‌هایی بشود؛ چون علم مثل یک کارت و شمشیر است که می‌تواند وسیله‌ای مفید یا کشنده باشد و علوم (چه علوم و معارف الهی یا تجربی) اگر در مسیر کمال انسان و تقرب به خدا قرار گیرد مطلوب است، اگر نه ممکن است به انسان ضرر هم بزند. بنابراین اسلام آموزش بعضی علوم را، حرام و ممنوع ساخته است. برای مثال همین علم سحر (جادو) که وسیله ضرر زدن به دیگران می‌شود و موجب اختلافات و دشمنی‌هاست و ...

در این مورد فقهای اسلام، نظر داده‌اند و اقسام آن و دلایل حرمت سحر را، به طور کامل بیان کرده‌اند^{۲۶} و حتی در بعضی روایات، دستور قتل ساحر را صادر شده است^{۲۷} (البته با شرایط خاص خود که در علم فقه مذکور است) و در این حکم بین مسلمانان اختلافی نیست و یکی از دلایل آنها، آیه شریفه (هاروت و ماروت)^{۲۸} است.

علوم دیگری، مانند کهانت در اسلام نیز حرام شمرده شده است^{۲۹} و آن علمی است که اخبار غیبی از آینده می‌دهد (به وسیله کسب اخبار از جن یا غیر آن ...) اما در مورد سلاح‌ها و ادوات جنگی، اگر برای دفاع از اسلام و مسلمانان باشد، تهیه و آموزش آنها لازم است، ولی اگر برای ظلم به انسان‌های دیگر و حمله ظالمانه به مردم باشد حرام است؛ چون تحت عنوان معونه الظالمین قرار می‌گیرد^{۳۰}.

تذکر: بعضی از روایات اسلامی، علم واقعی را منحصر در شناخت آیات و سنت و احکام می‌داند و می‌فرماید: «انما العلم ثلاثه آیه محکمه او فریضه عادله او سنه قائمه وما خلاهن فهو فضل»^{۳۱} و مابقی علوم را فضل می‌داند. پس اسلام توجهی به علوم طبیعی ندارد.

در اینجا چند نوع پاسخ می‌توان داد:

اولاً این گونه روایات، مصداق‌های علم را برمی‌شمارد و در روایات دیگر مطالب و علوم، به نوع دیگری بیان شده است. در بعضی روایات، عدد علوم را بی‌نهایت می‌داند و در بعضی روایات علوم را، چهار قسم می‌نماید (فقه، طب، نحو و نجوم) و در بعضی دیگر، دو نوع می‌کند و ...^{۳۲} پس حصر در این روایات، حصر اضافی است و حصر حقیقی نیست.

ثانیاً این روایات با روایاتی که علوم دیگر را علم می‌داند، معارض است. برای مثال روایاتی که پزشکی و نجوم را علم می‌داند^{۳۳}، با این روایت متعارض است، بنابراین ظهور روایت و حصر آن، قابل استناد نیست و نمی‌توان آن را اخذ کرد، بلکه باید آن را حمل بر اهمیت این علوم (آیات و احکام ...) بکنیم و چون موضوع این علوم، شرافت بیشتری دارد پس اهمیت بیشتری هم دارد.

۲۶. جواهر الکلام، تألیف شیخ محمد حسن نجفی، ج ۲۲، ص ۷۵ به بعد، (چاپ بیروت).

۲۷. وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۲۵ من ابواب ما یکتسب به، حدیث ۷.

۲۸. سوره بقره، ۱۰۲.

۲۹. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۸۹.

۳۰. همان، ص ۵۱.

۳۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۲۳، حدیث ۱۳۸۰۹، این روایت را از پیامبر و احادیث دیگری به همین مضمون آورده است.

۳۲. همان منبع، ص ۵۲۷.

۳۳. همان.

۳- ۶- علوم مستحب:

در اسلام مطلق علم مطلوب است بنابراین بقیه علوم که در حوزه علوم واجب و علوم حرام قرار نمی‌گیرد جزء علوم مستحب به شمار می‌آید یعنی انجام آن بهتر از ترک آن است و ثواب دارد.

۷) اقسام فعالیت میان‌رشته‌ای قرآن و علوم

مشکل بشر در علم جدید، جزئی‌نگری و تک بعدی شدن و جدا شدن رشته‌ها از همدیگر است از این رو در سال‌های اخیر به فعالیت‌های میان‌رشته‌ای توجه ویژه می‌کند؛ پس لازم است به اقسام فعالیت‌های میان‌رشته‌ای اشاره کنیم تا مقصود روشن تر شود.

برخی معاصران فعالیت‌های میان‌رشته‌ای را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند:

الف: موضوع میان‌رشته‌ای؛

ب: همکاری میان‌رشته‌ای؛

ج: روش میان‌رشته‌ای؛

د: پژوهش میان‌رشته‌ای؛

ه: دانش میان‌رشته‌ای کل‌گرا.

ایشان در این باره می‌نویسند: «ارتباط و همکاری هر چه بیش‌تر دانشمندان، موجب طرح موضوعات و مسائلی می‌شود که افراد را خواسته و ناخواسته به مطالعه بیش‌تر در دو رشته وا می‌دارد. یا شاید کارشناسان مختلفی از رشته‌های متفاوت را به بررسی یک موضوع بکشاند. پیدایش برخی رشته‌های جدید در دنیای علم نتیجه این‌گونه مطالعات است. مثلاً روان‌شناسی اجتماعی، بیوشیمی، بیومکانیک و بیونیک در دهه‌های اخیر هویت مستقل یافته‌اند. به همین ترتیب اسامی رشته‌های فراوانی مانند: گیاه پزشکی، اقتصاد سیاسی، الکتروشمی، جامعه‌شناسی زبان، سونوشیمی و اسامی مرکبی از این قبیل پدید آمده‌اند»^{۳۴}.

سپس در ادامه می‌نویسند: «به علاوه جوانب مدیریتی زندگی امروزی نیز نیازمند ارتباط و مشورت افراد حرفه‌ای است، و حوزه‌های مختلف به نحوی کانون همکای میان‌رشته‌ای متخصصان است که تحت عنوان مطالعات جامع‌شناخته می‌شود. مثلاً مسائل آموزش و پرورش نیازمند بررسی کارشناختی به دست روان‌شناس، جامعه‌شناس، کارشناس آموزش، کارشناس تکنولوژی و دیگران است».

سپس نتیجه می‌گیرد که: «به هر حال موضوع میان‌رشته‌ای، پژوهش میان‌رشته‌ای، همکاری میان‌رشته‌ای و روش میان‌رشته‌ای، چهار امر متفاوتند، که همگی با دانش میان‌رشته‌ای کلی‌گرا فرق دارند»^{۳۵}.

ایشان برای روشن کردن دانش میان‌رشته‌ای کل‌گرا یا فرا رشته‌ای، به اندیشه‌های «ژان آموس کمینوس (۱۵۹۲ - ۱۶۷۰) که دانش پان سوفی یا حکمت فراگیر^{۳۶} را در حوزه تعلیم و تربیت مطرح کرده است که باید بر سه بنیاد استوار شود:

۱- علم و روش تجربی

۲- عقل و خرد فلسفی که هر جا تجربه کافی نیست به یاری ما آمده و تجربه را تفسیر و تکمیل می‌کند.

۳۴. تفکر میان‌رشته‌ای، منصور متین، ص ۱۸.

۳۵. همان، ص ۲۱.

۳- حقیقت و حیانی که وی آن را برترین معیار می‌داندست^{۳۷}.

سپس ایشان یادآوری می‌کند که «آموزه‌های ادیان مختلف برای سایر نهادهای اجتماعی - اعم از علم و هنر و اخلاق و سیاست - بستر فکری و شروط منطقی تعیین می‌کند»^{۳۸}.

و در پایان یادآور می‌شود که «برای تعیین جایگاه یک دستگاه مفهومی میان‌رشته‌ای و تمایز آن از سایر مراتب آگاهی، می‌توان تمام اکتشافات هستی و طبیعت‌گرایانه را در تلقی وسیعی از کلمه «دانش» گنجانند و تمام آموزه‌های عقلی - استدلالی را ذیل کلمه «بینش» جمع کرده است ... اما بر خلاف تصور رایج این بینش کسب شده شعور را متحول می‌کند. این تحوّل در زمان ظهور پیامبان تحت تأثیر آگاهی معنوی به اوج می‌رسد»^{۳۹}.

در مباحث قرآن و علوم نیز پنج مرحله فوق قابل تصور است:

الف: موضوع میان‌رشته‌ای، مثل آفرینش انسان از منظر قرآن و زیست‌شناسی و ...

ب: همکاری میان‌رشته‌ای:

در موضوعاتی مثل تأثیر حجاب و نماز در بهداشت روانی همکاری کارشناسان قرآنی و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را می‌طلبد و نیز در موضوعات باستان‌شناسی مثل غار اصحاب کهف و کشتی نوح و ... که همکاری مفسران و باستان‌شناسان را می‌طلبد.

یادآوری این نکته لازم است که همکاری میان‌رشته‌ای در موضوعات میان‌رشته‌ای تحقق می‌یابد.

ج: روش میان‌رشته‌ای:

گاهی برای تحقیق در زمینه برخی موضوعات میان‌رشته‌ای نیازمند روش میان‌رشته‌ای هستیم همان‌طور که در موضوع تأثیر قرائت قرآن در آرامش و بهداشت روانی و نیز کاهش درد بیماران علاوه بر همکاری میان‌رشته‌ای نیازمند روش پژوهش میان‌رشته‌ای هستیم، تا بتواند با تلفیق شیوه‌های قرائت قرآن، از روش‌های مرسوم در روان‌شناسی و پزشکی نیز استفاده شود.

نمونه‌ای از این مورد در تحقیق آقای نصرآبادی در پایان‌نامه دکتری «تأثیر آوای قرآن در کاهش دردهای جسمانی» ملاحظه می‌شود.

د: پژوهش میان‌رشته‌ای:

که در زمینه تفسیرهای تخصصی قرآن مثل تفسیر تربیتی، تفسیر اقتصادی، تفسیر سیاسی، تفسیر پزشکی، تفسیر نجومی، تفسیر تاریخی، تفسیر حقوقی، تفسیر مدیریتی، تفسیر جامعه‌شناختی، تفسیر روان‌شناختی و ... قابل اجراست. چرا که این‌ها هم موضوع میان‌رشته‌ای است و هم همکاری میان‌رشته‌ای را می‌طلبد و هم پژوهش میان‌رشته‌ای لازم دارد. تا هر دسته از آیات با همکاری متخصصان دو حوزه یا متخصص در دو رشته کاویده شود. که البته این نوع از پژوهش معمولاً منتهی به تولید علم جدید می‌گردد. چرا که مبانی، اهداف و ... این علوم تحت تأثیر آموزه‌های قرآنی سامان جدیدی می‌گیرد.

هـ: دانش میان‌رشته‌ای کل‌گرا (فرا رشته‌ای):

۳۷. همان، ص ۱۸۰.

۳۸. همان، ص ۱۸۳.

۳۹. همان، ص ۱۸۶.

قرآن کریم به همه ابعاد زندگی بشر توجه دارد اعم از ابعاد معنوی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و... که این امر موجب شده که موضوع میان‌رشته‌ای زیادی در قرآن مطرح شود که همکاری میان‌رشته‌ای و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را می‌طلبد و به طور طبیعی منتهی به پیدایش دانش‌های جدید میان‌رشته‌ای می‌گردد. ولی علاوه بر این مطالب قرآن هم به علوم تجربی بشر توجه کرده و به حواس و فراورده‌های آن اهمیت می‌دهد و هم به تعقل و خرد انسانی توجه کرده است و هم توجه انسان را به ماوراء عالم طبیعت معطوف می‌دارد و رابطه او را با وحی پیامبران الهی و خدا برقرار می‌سازد. از این رو به انسان دیدی فرارشته‌ای و جامع‌نگر می‌دهد و دانش میان‌رشته‌ای کل‌گرا عنایت می‌کند. شاید این مطلب مهم‌ترین ارمان علمی قرآن برای بشر در عصر حاضر به شمار آید. که انسان قرآنی جامع دانش تجربی، بینش عقلانی و آگاهی وحیانی است و از جزئی‌نگری به امور هستی خارج می‌شود و دید کلی به جهان و علوم پیدا می‌کند. تذکر: در مورد دانش میان‌رشته‌ای قرآن و علم لازم است از شیوه تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای استفاده شود که توضیح مبحث مستقلی را می‌طلبد.^{۴۰}

۸) دانش جامع‌نگر (حکمت فراگیر)

در حقیقت دانش جامع‌نگر، نگاهی قرآنی به علم است که می‌تواند مرحله تکامل یافته دانش میان‌رشته‌ای به شمار آید این دانش دارای مؤلفه‌ها و استدلال است که بر اساس مقدمات فوق‌الذکر سامان می‌یابد.

مؤلفه‌ها

یک: به کارگیری علم تجربی در بررسی پدیده‌ها

دو: به کارگیری عقل و خرد فلسفی برای تکمیل و تفسیر تجربه‌ها

سه: استفاده از حقایق وحیانی برای نگاه قدسی به علم و معلوم و... جهت‌دهی به اهداف و مبانی علوم

مقدمات استدلالی

۱- قرآن نگاه جامع به دانش دارد. (همانطور که در مقدمه اول گذشت)

۲- قرآن نگاه جامع به انسان دارد (همه ابعاد وجودی انسان اعم از معنوی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی،

بدنی و...)

۳- نتیجه دو مقدمه فوق آن است که قرآن به حکمت فراگیر یا دانش جامع‌نگر دعوت می‌کند که

فراگیران به ابعاد یک پدیده از نگاه علم تجربی، عقل و وحی نگاه کنند؛ نه به صورت تک بعدی و تک رشته‌ای و جزئی؛ در نتیجه نگاه قرآنی به علم با نگاه تک بعدی رایج تمدن غربی به علم متفاوت است.

۹) پیامدها و لوازم رویکرد دانش جامع‌نگر:

۱- نگاه قدسی به علم (عبادت و آیه)

۲- اهداف علم (جهت‌دهی علم بر اساس قرآن که در نتیجه علم در خدمت بشر و سعادت انسان است نه

در خدمت قدرت، سیاست و نابودی بشریت)

۴۰. ر.ک: مقاله شیوه‌های تفسیر موضوعی، محمد علی رضایی اصفهانی، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۶.

- ۳- مبانی (مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و... برخاسته از قرآن در زیرساخت‌های علم تأثیر می‌گذارد)
- ۴- اخلاق علمی (تأثیر قرآن در اخلاق علمی دانشمندان مثل عدم اکتفاء به ظن و...)
- ۵- معرفت‌شناسی (گاهی روش عقلی و وحیانی به روش تجربی اضافه می‌شود)
- ۶- نظریه‌پردازی‌های علمی (ایده و الهام‌گیری از منابع نقلی و وحیانی - موضوع برای پژوهش‌های جدید)^{۴۱}
- ۷- نظام و مکتب علمی (به ویژه در علوم انسانی مثل نظام تربیتی، اقتصادی، سیاسی و...)
- ۸- تربیت دانشمندان جامع‌نگر (تأثیر در نظام آموزشی کشور)
- ۹- رشد معقول و منطقی و همه‌جانبه علم (برخلاف علم غربی بعد از گالیله که دین را کنار گذاشت و بعد کانت که عقل نظری را کنار گذاشت و به پوزیتیویسم و سکولاریسم روی آورد).
- ۱۰- فروتنی علمی (جلوگیری از استبداد علمی و غرور علمی که گاهی در نگاه تک بعدی در دانشمندان پدید می‌آید)
- ۱۱- لزوم تجدید نظر در آموزش و پرورش فعلی (ضرورت طرح الگوی علم جامع‌نگر برای نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور)

نتیجه نهایی

قرآن به دانش جامع‌نگر (حکمت فراگیر) دعوت می‌کند این نگاه قرآنی به علم بنیان اساسی تمدن اسلامی آینده است که دانش خاصی را بر اساس مبانی و اهداف قرآنی پایه‌ریزی و تحول اساسی در علوم به ویژه علوم انسانی فراهم می‌سازد که با رویکرد فعلی رایج در غرب نسبت به دانش متفاوت است.

فهرست منابع

- الحرّ العاملی، محمد بن الحسن (م ۱۱۰۴ ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق، الطبعة الرابعة، بیست جلد.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، چاپ سلمان فارسی، ۱۳۶۳ ش.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.
- _____، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- _____، مقاله شیوه‌های تفسیر موضوعی، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۶.
- _____، مقاله: نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۱۲.
- سرافرازی، عباس، علم و دین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- سیاسی، علی اکبر، مبانی فلسفه، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم.
- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، (م ۱۴۱۱ ق)، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- فراابی، محمد بن محمد، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، چ ۲.

۴۱. ر.ک: مقاله: نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی، محمد علی رضایی اصفهانی، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۱۲.

- فیض کاشانی، محسن؛ محجة البيضاء فی احیاء الإحیاء، تهران، المكتبة الإسلامية، بی تا.
- _____؛ تفسیر الصافی، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۲ هـ. ق.
- متین، منصور، تفکر میان رسته‌ای، بوستان کتاب (شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)، ۱۳۷۴.
- مجلسی (مجلسی دوم)، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴ ش.
- مصباح یزدی، محمد نقی، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش، دو جلدی.
- مظفر، محمد رضا، المنطق، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق - ۱۹۸۲ م، ۴۵۶ ص.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- النجفی، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام، التحقيق: عباس القوچانی، دارالکتب الاسلامیه، آخوندی، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۷ ش.